

## متنی به پهلوی ساسانی

بررسی و نقد کتاب

ارداویراف نامه / فیلیپ ژینیو

ترجمه و تحقیق دکتر زاله آموزگار

انتشارات معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه

تهران ۱۳۷۲

۲۴۸

ارداویراف نامه (ارداویرافنامه)<sup>۱</sup> یکی از آثار ارزشمند مزدیسنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) است که هرچند زمان نگارش آن متأخر است، اما یکی از بهترین آثار دوره ساسانی درباره اعتقاد به بهشت و دوزخ و جهان پس از مرگ در ایران باستان به شمار می‌رود. شرح سفر روحانی موبدی پارسا به جهان دیگر و مشاهدات او از دنیای پس از مرگ به زبان ساده و درعین حال جذاب در آن وصف گردیده است. چنانکه برخی آن را کمدی الهی ایرانی نام نهاده‌اند<sup>۲</sup>، هرچند ظاهراً تأثیر ارداویراف نامه بر دانته، شاعر بزرگ ایتالیایی، به طور غیرمستقیم از راه منابع یهودی و عربی بوده که وی توانسته است با مباحث رستاخیزشناسی ایرانیان آشنا شود. با این حال، مؤلف یا مؤلفان این اثر برجسته پهلوی هنوز شناخته نیست. نویسنده آن به احتمال بسیار از ترجمه پهلوی «هاذخت نسک» و نیز یکی از کتیبه‌های موبد کرتیر - که شرح دیدار موبدی از بهشت است - الهام گرفته است.

داستان ارداویراف از آنجا آغاز می‌گردد که پس از حمله اسکندر، همه مظاهر دینی زرتشتی، اوستا و زندگی با آب زر بر پوست گاو نوشته شده بود، از میان رفت و بی‌دینی و بدگمانی رواج یافت تا آنکه در زمانی متأخر کیش‌ها و باورهای گوناگون (مانویت و آیین مزدک) شکل گرفت. در زمان آذرباد مارسپندان داوری‌های چندی در مورد دگرکیشان انجام گرفت. اما با اینحال، موبدان از بی‌دینی آندوهگین بودند. پس با همداستانی دستوران دین، همه مردم را به آتشکده فرنیخ فرا خواندند.

از میان آنها هفت مرد پارسا برگزیدند و آنان از میان خود یک تن به نام ویراف برگزیدند تا «می و منگ» خورد و به جهان دیگر سفر کند. ویراف سر و تن شست و جامه نو پوشید و بابوی خوش خود را خوشبو کرد. پس بر تختی پاک نشست و نیایش کنان سه جام زرین حاوی «می و منگ گشتاسپی» سرکشید. یک جام برای اندیشه نیک، دومی برای گفتار نیک و سدیگر برای کردار نیک. آنگاه دراز کشید و هفت شبانه روز به خواب رفت، در حالی که در کنار بسترش، دستوران دینی و هفت زن که هم خواهر و هم زن او بودند<sup>۴</sup>، نشسته و در برابر آتش، اوستا خواندند و نیایش کردند.

روان ویراف به چکاد دائمی و پُل چینود<sup>۴</sup> رفت. پس از هفت شبانه روز باز آمد و ویراف برخاست. دستوران دین گفتند هر چه دیدی برای ما بازگو. ویراف نخست خوراک خواست و آنگاه گفت: در شب نخست، سروش و آذر به پیشوازم آمدند و دستم فراز گرفته به پُل چینود بردند. در آنجا روان درگذشتگان را دیدم که در سه شب نخست به بالین تن نشسته و منتظر نتیجه کرده‌های دنیوی خود بودند. پارسایان همه کرده‌های نیکوی خود را که به پیکر دوشیزه‌ای زیباروی و فرازپستان جلوه می‌کرد، در برابر خود دیدند. آنگاه پُل چینود پهن شد و ویراف همراه ایزد سروش و آذر از آن گذشتند با نگاهبانی ایزدمهر و ایزدان دیگر. ایزد رشن ترازوی زرین در دست داشت و کار پارسایان و دروندان را اندازه می‌گرفت. پس ایزد سروش و آذر بهشت، همیستان (برزخ) و دوزخ را به ویراف نشان دادند. آنگاه به ماه پایه، ستاره پایه و خورشید پایه که طبقات بهشتی است، فراز رفتند و سرانجام به گرزمان (بهشت برین) رسیدند. پس ایزد بهمن ویراف را به جایگاه هرمزد و امشاسپندان برد و در آنجا زرتشت و دیگر پیشوایان و پشتیبانان دین را بدو نمود. هرمزد گفت که او را ببرید و بهشت و دوزخ را کامل بدو نشان دهید. پس ویراف گردونه‌های زرین بهشت، زنان زیبا و زینت یافته، بستر و بالش و فرش‌های شایسته و نعمت‌های بسیار دیگر بدید.

آنگاه ویراف دوزخ ژرف و ترسناک را دید و مناظری هولناک و شگفت، شکنجه‌های دردناک مردان و زنان بدکار را، که پادافراه خویش می‌دیدند، یک به یک با جزئیات وصف کرد:

«دیدم روان زنی که با پستان به دوزخ آویخته بود و خرفستران (جانوران موذی مثل مار و عقرب) همه تن او را می‌جویدند. پرسیدم این زن چه گناه کرد؟ ایزد سروش و آذر گفتند: این روان آن زن دروند است که در گیتی شوی خویش هشت و روسپی‌گری کرد»<sup>۵</sup>.

«پس دیدم روان زنی که از زبان او چندمار آویخته بود. پرسیدم این زن چه گناه کرد؟ سروش و آذر گفتند که این روان آن زن دروند است که در گیتی زبان او تیز بود، شوی و سالار خویش را با زبان، بسیار آزد»<sup>۶</sup>.

از این گونه شکنجه‌ها در کتاب بسیار سخن رفته که برای گناهان گوناگونی چون دروغ، آزار، خیانت، پیمان شکنی، جادوگری، رشوه‌ستانی، روسپی‌گری و غیره اعمال می‌شد و از این نظر، کتاب ارداویراف نامه متن بسیار معتبری برای بررسی شرایط حاد اجتماعی، فقر و فلاکت اقشار مردم در عصر ساسانی است.

این کتاب که اکنون به صورت اثری مستقل با ترجمه روان و دقیق دکتر ژاله آموزگار، پژوهشگر و استاد زبان و ادبیات پهلوی در دسترس فارسی زبانان قرار گرفته، در اصل به پهلوی ساسانی است و چهارده دستنویس از آن در هند، کپنهاگ، برلین و پاریس بازمانده است. فیلیپ ژینیو در سال ۱۹۸۴ حرف نوشت، آوانویسی و واژه‌نامه آن را با ترجمه فرانسه متن در سلسله انتشارات گنجینه نوشته‌های ایرانی انستیتوی ایرانشناسی فرانسه، دفتر چهاردهم منتشر کرده است.<sup>۷</sup> ژینیو از ۱۹۷۰ مدیر بخش دین‌های ایران باستان در مدرسه عالی دانشگاه فرانسه است. تخصص او در زبان و خط کتیبه‌های ساسانی و بویژه در مجموعه مهرهاست و علاوه بر چندین کتاب، حدود ۱۰۰ مقاله علمی در نشریات بین‌المللی منتشر کرده است.<sup>۸</sup> مترجم فارسی متن و ترجمه فرانسه ژینیو را اصل قرار داد و در عین حال با مطابقت دقیق متن پهلوی و نیز با بهره‌گیری از ترجمه انگلیسی دکتر فریدون وهمن، ترجمه‌های رسا به فارسی فراهم آورد. از این گذشته، موارد بسیاری را تصحیح و درپانویس یادآور شد، به طوری که کار ایشان از حد یک ترجمه صرف گذشت و صورت پژوهشی همه‌جانبه به خود گرفت. متن فارسی کتاب منقح است و در کنار آن، حرف نوشت و آوانویسی لاتین و واژه‌نامه پهلوی - فارسی آمده است. اشتباهات چاپی بندرت دیده می‌شود (از جمله در ص ۱۶ کویبی پر - کویبی پر؛ سطر بعد: تشریف یافته - تشرّف یافته؛ ص ۲۳ استنباط - استنباط و غیره). در ص ۴۰ به جای xwadāy «فرمانروا» آمده در حالی که در بند ۴ ص ۳۹ «دهبد» به جای فرمانروا گرفته شده است. نیز در ص ۱۳، نام کتاب تئودور برکونی، «اسکولیس» بهتر بود به صورت رایج آن در فارسی و عربی «کتاب المکاتب» می‌آمد.

در پایان باید یادآور شوم که ترجمه کامل متن ارداویراف نامه در ۱۳۶۲ به قلم زیبای پژوهنده اساطیر ایران، دکتر مهرداد بهار، نیز انجام گرفت که در بخش آخر کتاب «پژوهشی در اساطیر ایران» آمده است و کاش مترجم فارسی از آن بهره می‌گرفت یا لااقل در فهرست مآخذ ذکر می‌کرد از آن به میان می‌آورد، در حالی که از ترجمه ناقص و کهنه این اثر به قلم دکتر عفیفی (مشهد ۱۳۴۲) یاد شده است.<sup>۹</sup>

پرتال جامع علوم انسانی

**یادداشت‌ها:**

- ۱- به دلیل ابهام خط پهلوی، «ویراف» را می‌توان «ویراز» هم قرائت کرد. «ویراف» تلفظ سنتی و رایج آن است، اما برخی از ایران شناسان «ویراز» را گونه صحیح تر آن دانسته‌اند.
- ۲- از جمله، فریدون وهمن ترجمه انگلیسی این اثر را با عنوان فرعی "The Iranian 'Divina Comedia'" در کپنهاگ منتشر کرده است:

F. Vahman, *Ardā wirāz Nāmāg, The Iranian Divina Comedia*, Copenhagen 1986.

۳- بنا به رسم «خوژده»، زرتشتیان عصر ساسانی و بیشتر، ازدواج با نزدیکان و محارم را امری عادی و حتی ستوده می‌شمردند. ر.ک. ارداویراف نامه، ترجمه دکتر آموزگار، ص ۴۳، یادداشت ۶، نیز ر.ک. روایات پهلوی، به کوشش ده‌بار، فصل ۸، ص ۹ تا ۲۱.

۴- بنا به اعتقاد زرتشتیان، چینه‌ود پلی است که همه درگذشتگان در رستاخیز باید از آن بگذرند، اگر شخص گناهکار باشد، این پل به نازکی تار مویی شود و گناهکار به دوزخ فروافتد، و چنانچه شخص پارسا باشد، به اندازه ۹ نیزه پهنا گیرد و شخص پارسا به راحتی از آن بگذرد و به بهشت رود. ر.ک. تعلیقات مینوی خرد ترجمه دکتر احمد تفضلی، ص ۹۷.

۵- ارداویراف نامه، ترجمه فارسی ژاله آموزگار، ص ۶۵.

۶- ر.ک. همان مأخذ، ص ۸۷.

۷- ر.ک. Philippe Gignoux, Le Livre d'Ardä Virāz, Paris 1984.

۸- از جمله آثار او، واژه‌نامه کتیبه‌های پهلوی و پارتی (۱۹۷۲)، واژه‌نامه نام‌های خاص ساسانی در کتیبه‌های فارسی میانه (وین ۱۹۸۶) را می‌توان نام برد، نیز وی مدیریت نشریه مطالعات ایرانی (Studia Iranica) و نیز مدیریت Cahiers de Studia Iranica را بر عهده دارد و از ۱۹۷۸ رئیس انجمن ایران‌شناسان اروپایی است.

۹- ضمناً بد نیست یادآور شوم که گزارش فارسی دانشنامه بزرگ پهلوی، پندهش، نیز توسط دکتر مهرداد بهار، پس از سالها تلاش در سال ۱۳۶۹ از سوی انتشارات توس منتشر شده و تاکنون - بجز شادروان بهرام فره‌وشی - هیچ‌کس از آن کار سترگ یاد نکرد.

یادآوری برای مشترکان محترم

تعداد قابل توجهی از مشترکان دوره اشتراکشان سپری شده است و مجله به احترام ایشان ارسال می‌شود.

کلیک از جمله مجلاتی است که از درآمد اشتراک، نفسی به سختی می‌کشد و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند و خواهشمندیم هرچه زودتر وجه اشتراک خود را بپردازند.

این موضوع به هر زبان که تکرار شده و می‌شود از باب آن است که انتشار هر مجله‌ای به همت و غیرت طرفداران آن دوام پیدا می‌کند.

هر بار که ناچار به یادآوری این موضوع می‌شویم خدا می‌داند که خود

شرمنده‌ایم.